

تصویر ایران از دید نخبگان روس از اواخر دوران شوروی تاکنون

دمیتری شاپنتوخ

ترجمه سعید خاوری نژاد

با مقدمه تحلیلی جهانگیر کرمی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

تهران - ۱۳۹۴

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: شلاپتوخ، دمیتری، ۱۹۵۰ - م.

عنوان و نام پدیدآور: تصویر ایران از دید نخبگان روس: از اواخر شوروی تاکنون

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۷۳۰-۱

بها: ۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: Russian Elite Image of Iran: From the Late Soviet Era to the Present

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

شناسه افزوده: ایران، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره نشر

شناسه افزوده: خاوری نژاد سعید (۱۳۰۰-)

شماره کتابشناسی: ۲۸۲۱۱۵۶

تصویر ایران از دید نخبگان روس از اواخر دوران شوروی تاکنون

مؤلف: دمیتری شلاپتوخ

مترجم: سعید خاوری نژاد

مقدمه تحلیلی: جهانگیر کریمی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

هماهنگی امور نشر: بیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: مریم حجاری

صفحه آرای: سحر حسینی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

۱	سخن آغازین
۳	درباره نویسنده
۵	پیشگفتار
۷	مقدمه تحلیلی: جهانگیر کرمی
۱۵	مقدمه
۱۹	شکل‌گیری، بدل اوراسیایی
	قرارگیری ایران در چارچوب مبحث اوراسیاگرایی/گفتمان ملی‌گرایی
۲۷	و پیدایش ایده محور روسی - ایرانی
	اواخر دوران یلتسین: ارایش متبویت اوراسیاگرایی و برنامه‌ریزی برای
۳۷	یک محور روسی - ایرانی
۴۳	جنگ ناتو - صربستان و بنیان‌گذاری صحن ژئوپلیتیک اولیه پوتین
۴۵	آغاز دوران پوتین و اوج رویاهای یک محور روسی - ایرانی
۵۱	چالش مسلمانان
	ملی‌گرایی جدید روسی و دیدگاه جدید در قبال مسلمانان:
۶۱	عواقب آن برای تصویر ایران
۶۹	نزدیکی روسیه به اسرائیل به مثابه نشانه سیاست ضد ایرانی
۷۵	جنگ گرجستان
۷۷	تحولات اخیر
۸۱	نتیجه‌گیری
۸۵	پی‌نوشت‌ها

سخن آغازین

ایرانیان و روس‌ها برای سده‌ها در همسایگی با یکدیگر، روزگاری طولانی و پر پیچ و خم را پشت سر گذاشته‌اند. با این همه، به جز در عرصه ادبیات و شناخت آثار بزرگ ادبی و بزرگان شعر و داستان‌نویسی یکدیگر، کمتر پیش آمده که شناختی در خور از دیدگاه تحلیلهای فکری در جامع‌ها داشته باشند. حتی در دورانی که تفکر کمونیسم موجی نو در میان روشنفکری ایران را انداخته بود و گاه روندهای فکری در جامعه ایران را راهبری می‌کرد، باز هم امکان دستیابی به شناختی درست و جامع از طرز تفکر جامعه روس نسبت به محیط پیرامون خود برای ایرانیان فراهم نبود. از میان ده‌ها سفرنامه، صدها کتاب داستان، شعر و زندگینامه‌هایی که درباره سیاست‌داران برجسته روس در یک سده اخیر به فارسی نگاشته یا ترجمه شده‌اند، به ندرت می‌توان سطرهایی درباره رویکرد و راهبرد روس‌ها در قبال همسایه جنوبی‌شان یافت.

در این میان، کتاب پیش‌رو که به همت جناب آقای سید نصری‌نژاد، یکی از پژوهشگران کوشای موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) به فارسی برگردان شده و مقدمه‌ای نیز بر آن به قلم جناب آقای دکتر جهانگیر کرمی، از استادان برجسته و سرشناس در ایران و عضو شورای علمی ایراس به نگارش درآمده است، با هدف دستیابی به شناختی بهتر از طرز تفکر و برداشت جامعه روشنفکری روسیه در قبال ایران چاپ می‌شود. برای تهیه این مهم، موسسه ایراس افتخار آن را داشته است که از پشتیبانی و همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برخوردار باشد. امید ما این است که مطالعه این کتاب، دریچه‌های نوینی از اندیشه‌ورزی در زمینه روابط خارجی ایران به ویژه با همسایه شمالی را میان استادان و پژوهشگران حوزه مطالعات بین‌المللی و سیاست خارجی بگشاید.

ماندانا تیشه یار

قائم مقام موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

تهران - ۱۳۹۴

درباره نویسنده

دمیتری شلاپنتوخ دانشیار تاریخ در دانشگاه ایندیانا در بند جنوبی^۱ است. او نویسنده چندین کتاب و بیش از صد مقاله است. دکتر شلاپنتوخ کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه دولتی مسکو و دانشگاه ایالتی میشیگان و دکترای تاریخ اروپایی/روسی خود را از دانشگاه میکانو گرفته است.

پیشگفتار

از اواخر دوران شوروی، حضور ایران در اذهان نخبگان روس پررنگ‌تر شده است. دیدگاه آنان درباره ایران در چارچوب دیدگاه کلی راجع به رابطه روسیه با جهان اسلام جای گرفته است. اندکی پس از پایان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - و حتی پیش از آن - شمار زیادی از نخبگان روس به شیفتگی نسبت به غرب، به ویژه ایالات متحده پایان داده و به دنبال اتحادهای ژئوپلیتیک جایگزین رفتند. جهان اسلام ایران در مرکزیت آن به یکی از جایگزین‌های مناسب بدل شد. ایران در شکنجی از ژئوپلیتیک اوراسیاگرایان یا نو اوراسیاگرایان که بر این باور بودند که اتحاد روسیه با ایران برای قدرت‌گیری روسیه مهم است، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. با این حال در میانه دوران حکومت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تنش فزاینده با جامعه مسلمان و افزایش ملی‌گرایی روسی منجر به شکل‌گیری دیدگاه‌های پیچیده‌تر نخبگان روس در برابر ایران شد. امروزه، نخبگان روس از ایران به عنوان یک اهرم فشار در معامله با غرب، به ویژه ایالات متحده، و بازاری برای تسلیحات و دیگر کالاها و خدمات روسی استفاده می‌کنند. با این همه رویای محور روسیه - ایران نیز برای همیشه رها نشده است.

داگلاس سی. لاولیس

رئیس مؤسسه مطالعات راهبردی

مقدمه تحلیلی

در جهانی که بخش عظیمی از تعاملات از رهگذر ابزارهای ارتباطی نوین و در فضاهای مجازی صورت می‌گیرد و نشانه‌ها و تصاویر بیش از خود واقعیت‌ها رد و بدل می‌شوند، تصمیمات سیاست خارجی نیز بیش از هر زمان دیگری بر اساس تصورات و برداشت‌ها اتخاذ می‌شوند و از این رو، بحث درباره برداشت‌ها و نگرش‌ها بیش از هر زمان دیگری می‌تواند به فهم بهتر رفتارها کمک کند.

یکی از دستاوردهای مهم مطالعات آکادمیک سیاست خارجی در چند دهه گذشته، توجه به ساختار روانی دولت‌ها و بررسی عوامل فکری، فرهنگی و اجتماعی آنها بوده است. این تحول در دهه‌های بعدی به یک جریان مهم در مطالعه رفتار خارجی دولت‌ها منجر شد. گام‌های خردگرا از نگاه به سیاست خارجی از بیرون و در چارچوب ساختارهای فراملی بود. از این روی، آموزه فهم سیاست خارجی کشورها و مواضع و رفتار آنها نسبت به یک دولت دیگر بسیار مهم و ژرف تلقی می‌شود که در چارچوب "مکتب تحلیل سیاست خارجی" دنبال شده است. یکی از ویژگی‌های مهم این مکتب آن است که توانسته در درون هر سه پارادایم نظری کلان روابط بین‌الملل - از خردگرا و تبیینی، تا پس‌اساختار و ناپسندی و سرانجام، تکوینی و سازه‌نگار - خود را به شکل‌های سیاست خارجی، عاملی، تحلیل گفتمانی و فضای بین‌الذهانی بازسازی کند.

در درون پارادایم خردگرا و در درون مکتب تحلیل سیاست خارجی، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها قرار گرفته‌اند که به مطالعه افکار عمومی، نگرش‌ها و ساختارهای سیاسی، نظام‌ها و محیط شناختی، ادراکی، شخصیتی و باوری و تصمیم‌گیری می‌پردازند. یکی از دستاوردهای مهم مکتب تحلیل، ورود به نظریه‌های سیاست داخلی است که با بررسی سیاست خارجی بر اساس نوع رژیم، ماهیت دولت، رابطه دولت و جامعه، درجه توسعه‌یافتگی دولت، روند تصمیم‌گیری و تأثیر گروه‌ها، سازمان‌ها، شخصیت‌ها، رسانه‌ها، افکار عمومی، ایدئولوژی، نگرش‌ها و برداشت‌ها و

دیدگاه‌های موجود در یک کشور، کوشیده است تا چارچوب‌هایی برای در نظر گرفتن عوامل مختلف داخلی تصمیمات خارجی ارائه کنند. این پژوهشگران از حوزه سایبرنتیک یاری جسته و اقدام کشورها را نتیجه ذهنیت تصمیم‌گیران دانستند و برای درک کنش و واکنش دولت‌ها، به بررسی منابع و نیروهای داخلی تأثیرگذار بر ذهنیت آن تصمیم‌گیران پرداخته و مدلی موسوم به «کنش، واکنش و تعامل» ارائه کردند.

یکی از نظریه‌های میان‌برد در این حوزه، نظریه نظام اعتقادی بود که طرز تفکر، برداشتها و ساختار ذهنی شخص تصمیم‌گیرنده را به‌عنوان متغیرهای مستقل یا میان‌بر نظر می‌گرفت. از این دیدگاه، افراد محصور در باورهای خود و شیوه‌ای هستند که از آن‌ها برای پردازش می‌کنند. پایه‌گذاران این نظریه، در پی ارائه این مطلب بودند که می‌توان بخشی از نوسانات سیاست خارجی یک دولت را یا تفاوت‌های میان سیاست‌های دیرل مختلف را معلول وقوع دگرگونی در ساختار فکری و شخصیتی مقامات بلندپایه در دستگاه سیاست‌گذاری خارجی آن دولت یا اختلاف نظام‌های فکری سیاست‌گذاران در آن مختلف دانست.

اما در پارادایم پساساختارگرایی و راه‌ای به تحلیل گفتمانی شده است. از این منظر، سیاست خارجی بیش از هر عصری، از گفتمان‌های حاکم بر یک جامعه در یک دوره خاص تأثیر می‌پذیرد و برای درک دقیق و مؤثر رفتارهای یک دولت بایستی به مطالعه این گفتمان‌ها و الزامات آن بر سیاست خارجی بپردازیم. از این نگاه، در هر دوران شکل خاصی از قالب‌های گفتمانی پدید می‌آید که تأثیر خود را بر رفتار سیاست خارجی و داخلی به جا می‌گذارد. از منظر نظری پردازان تحلیل گفتمانی، هیچ واقعیت اجتماعی و بین‌المللی‌ای وجود ندارد و هر چه هست، به وسیله زبان و مفاهیم ما ساخته شده است و جهان اجتماع و انسان ذاتاً بی‌شکل و بی‌معنا بوده و به وسیله گفتمان‌های مسلط در هر دوره‌ای معنا و شکل خاص می‌گیرند.

از این نگاه، هیچ واقعیت غیرگفتمانی و ماقبل گفتمانی وجود ندارد و واقعیت در قالب مقوله‌های گفتمانی درک می‌شود و گفتمان است که به واقعیت معنا می‌دهد. گفتمان سیاسی موجود در هر جامعه‌ای در مورد سیاست خارجی - به عنوان ساختاری که سیاست خارجی کشور در درون آن قرار می‌گیرد - شکل‌گیری رفتارهای خارجی را محدود می‌سازد.

در یک دوره ممکن است گفتمان‌های مختلفی وجود داشته باشد، اما یکی از آنها به عنوان گفتمان مسلط، سیاست خارجی را ایجاد نماید. رویکرد تحلیل گفتمان با تفسیر جهان و ایجاد یک فهم گسترده‌تر و مشروح‌تر راجع به فرایند سیاسی، امکان می‌دهد تا از ساختارهای مادی فراتر رویم. به سخن دیگر، اجتماع و انسان به طور بالقوه قابل ظهور در اشکال گوناگونی است و گفتمان مسلط در هر دوره، به تحقق و ظهور متعین یکی از آن اشکال می‌انجامد. لذا، گفتمان سیاسی یکی از منابع سیاست خارجی است که نقش ویژه‌ای در کنار منابع ساختاری دیگر نظیر ساختار اقتصادی و اجتماعی بازی می‌کند.

اما در سومین پارادایم، در چارچوب نظریه‌های سازه انگار، توجه به محیط تعاملی ذهنی و فضای بین‌ذهنی میان دولت‌ها به عنوان عنصری مهم برای تعیین کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی خارجی بسیار اساسی پنداشته می‌شود. سازه انگاران اهمیت خاصی برای تأثیرگذاری ایده‌ها و افکار قائلند. آنها استدلال می‌کنند که سیستم‌های ایده‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک نیز دارای ویژگی‌های ساختاری هستند و نفوذ مؤثری بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی دارند.

از این دیدگاه، آنچه که ساختار اجتماعی بشری، را شکل می‌دهد، ایده‌ها و باورهای مشترک است و نه نیروهای مادی، و از طریق این باورهای مشترک است که هویت و منافع بازیگران به وجود می‌آیند. ساختارهای ذهنی و فکری و نظام‌های معنایی تعیین می‌کنند که بازیگران چگونه محیط مادی خود را تفسیر می‌نمایند.

از این نظر، واقعیت‌های بین‌المللی توسط ساختارهای ذهنی معرفتی که به دنیای مادی معنا می‌دهند، شناخته می‌شوند و بازیگران نسبت به موضوعات و بازیگران دیگر، براساس معنا و مفهومی که آن موضوعات برایشان دارند عمل می‌کنند و از این رو رفتار با دوست و دشمن متفاوت است. این معانی مشترک است که ساختارهایی را به وجود می‌آورند که رفتارهای ما را سامان می‌دهند و معانی نیز از تعامل برمی‌خیزند. روند علامت دادن، تفسیر کردن و واکنش کاملاً یک "کنش اجتماعی" است و روند ایجاد معانی بین‌الذهانی را آغاز می‌کند. علامت دادن‌های متقابل، مفاهیم نسبتاً ثابتی از خود و دیگری - با در نظر گرفتن مسأله‌ای که در جریان است - ایجاد خواهد کرد.

به بیان بهتر، از طریق تعامل است که ساختارهای اجتماعی نسبتاً پایدار ایجاد خواهد شد. از نظر تکوین‌گرایان، دنیای مادی عمل انسان را شکل داده یا توسط عمل انسان شکل می‌گیرد و چگونگی ارتباط این دو به تفسیرهای عرفی و معرفتی دنیای مادی بستگی دارد.

ظرفیت انسان در بیان مفاهیم و یا آموزش وی، تأثیر زیادی بر شیوه تعریف دنیای مادی و درک و تجربه از محیط پیرامون می‌گذارد. ادراک جمعی به انسان‌ها دلایل جود را می‌دهد و آنها را به چگونگی استفاده از قدرت و توانایی‌های مادی هدایت می‌کند. وضعیت جهان صرفاً توسط عوامل مادی تعیین نمی‌شود، بلکه عوامل اجتماعی نیز سر دارند. هویت‌ها، منافع و رفتار عوامل سیاسی توسط مفاهیم، توصیف‌ها و مفروضه‌ها تعیین می‌شوند و نظام‌های نهادینه شده معنایی، هویت‌های اجتماعی بازیگران را تعریف می‌کنند.

با این بررسی ملاحظه نمودیم که تصور و تصویر ذهنی از دولت‌ها و برداشت‌ها و نگرش‌های نخبگان یک جامعه، تأثیری بنیادین در شکل‌گیری تصمیمات سیاست خارجی دولت‌ها دارد و بررسی جریان‌ات فکری و نگرش‌های تاریخی و گفتمان‌های مهم سیاسی در کشورها در هر دوره‌ای، برای فهم سیاست خارجی آنان در نگاه به دیگر دولت‌ها امری حیاتی است. از این رو، تصمیم‌گیر سیاست خارجی در جمهوری اسلامی و یا پژوهشگران و تحلیل‌گران سیاست خارجی کشورمان لازم است تا در کنار نقش، قدرت، ژئوپلیتیک، جایگاه و ساختارهای سیاست خارجی دیگر ممالک، به نگرش‌ها و برداشت‌ها و تصورات آنها از کشورمان نیز توجه کنند و این موضوع گاه حتی بیش از آن عناصر مادی و غیر مادی اهمیت می‌یابد. این موضوع به ویژه در دنیای جدید و در عصر ارتباطات و سلطه رسانه‌ها بیش از گذشته معنا و مفهوم یافته است.

با این تمهید نظری و فکری درخواست می‌یافت که شناخت گفتمان‌ها و نگرش‌های سیاست خارجی روسیه از منظر توجه به دولت جمهوری اسلامی ایران یک ضرورت مهم است و رهیافت‌های دولت روسیه و تصویر ایران از دید نخبگان روس از اواخر دوران شوروی تاکنون، اساساً در درون دو نگرش اصلی شکل‌بندی شده و معمولاً وزن هر یک از آنها در دوره‌های مختلف تغییر کرده و یا گاه به توازنی

نسبی رسیده است. به تعبیر نویسنده این کتاب، طرفداران اوراسیاگرایی، اتحاد میان قومیت روس و مسلمانان فدراسیون روسیه را جوهره تمدن روسی در نظر می‌گیرند و ایران را به عنوان متحد نخست روسیه قلمداد می‌کنند و خطر اصلی را از طرف غرب و بیشتر ایالات متحده می‌دانند. هدف این تهدید، دستیابی به روسیه به همان صورت انجام شده در سده‌های گذشته از مغول‌ها گرفته تا هیتلر بود. اتحاد روسیه با ایران و قدرت‌های دوست مشابه، بیشتر آسیایی، مانع از رخ دادن این امر می‌شد.

نویسنده به نگرش دوم نیز می‌پردازد که این تصور را دارد که ایران هیچ کاری نمی‌تواند برای روسیه انجام دهد و روسیه به عنوان کشوری غربی در نظر گرفته می‌شود و این دیدگاه دیدگاه لیبرال‌های غربی شده روس در اواخر دوران گورباچف و اوایل یلتسین بود. اما نفوذ آنها در پایان حکومت یلتسین و آغاز کار پوتین به طور پیوسته کاهش یافت.

از نگاه نویسنده کتاب دیدگاه طرفدار ایران میان نخبگان روس با روی کار آمدن پوتین محبوبیت بیشتری یافت. اما این حال در میانه دوران ریاست جمهوری پوتین، روندی نو، دیدگاه اوراسیاگرایان روسی‌گرایان مپراتوری‌خواه درباره ایران را به چالش کشید. این امر ناشی از افزایش تنش میان روس‌ها و مسلمانانی که از پیشینه‌های قومی گوناگون برخوردار بودند و هم‌زمان با آن، فروپاشی تصور «همزیستی» اوراسیایی میان اسلاوهای ارتدوکس و مسلمانان سنی‌گرا، هم در درون و هم بیرون از روسیه، بود. به تعبیر وی، تصویر ایران بخشی از دیدگاه نخبگان روس درباره جهان اسلام است. تصویر مثبت ایران بیشتر در چند دهه اخیر، در جهان‌بینانه انگشت شمار وجود داشت؛ برای قومیت روس، که هنوز باید به عنوان نیروی مسلط بر فدراسیون روسیه در نظر گرفته شود، و برای اوراسیاگرایان که باید در اینجا مهم‌ترین نیرو دانسته شود. از این دیدگاه، نگاه طرفدار ایران، حتی در اوج محبوبیت خود در آغاز حکومت پوتین، نامنسجم بود و همچنان محدود ماند و با گذشت زمان این دیدگاه‌ها به طور فزاینده‌ای به چالش کشیده شد. دلایل زیادی برای این امر وجود داشت. به طور حتم یکی از دلایل، ترکیب نخبگان روس بود که بیشتر، سبک زندگی و منافع اقتصادی متمایل به غرب را دنبال می‌کردند و به سختی به اموری می‌پرداختند که منافع آنها را به خطر می‌انداخت. اما دلیل دیگری نیز وجود داشت

که در حکم مهم‌ترین دلیل برای اثر حاضر است. در حالی که طرفداران مکتب فکری اوراسیایی، روسیه و ایران را مانند قدرت‌های دوست در نظر می‌گیرند که برای دفاع از همدیگر حتی به قیمت جنگی بزرگ آماده بودند، رهیافت نخبگان روس کنونی به کلی متفاوت است. این نخبگان ایران را به خاطر منافع عمل‌گرایانه و اغلب اقتصادی زودگذر دوست دارند. رابطه نزدیک روسیه با ایران همچنین می‌تواند به منظور فرستادن علائمی به ایالات متحده مبنی بر این باشد که روسیه از برخی اقدامات مشخص آمریکا ناخشنود است؛ مانند محکوم کردن جنگ روسیه با گرجستان یا برنامه برای نصب موشک‌های آمریکایی در اروپای شرقی. همین عمل‌گرایی در مورد ایرانی‌ها نیز صدق می‌کند که می‌توان حدس زد در برنامه‌ریزی برای موقعیت ژئوپلیتیک خود، منافع روس‌ها را به دشواری در نظر خواهند گرفت.

شلاپنتون به وضوح بسیار اساسی اشاره می‌کند و آن مخالفت روسیه با حمله ایالات متحده به ایران است و بر این باور است که کرملین حتی در اینجا نیز همواره مصمم نبوده است. نکران اصلی روسیه نه حضور امپریالیستی آمریکا در خاورمیانه، بلکه این بود که جنگ می‌توانست منجر به افزایش گسترده بی‌ثباتی شود که سرانجام به حیاط خلوت روسیه دامن می‌زد. در نتیجه، کاهش تقابل ایران و ایالات متحده، حتی به طور غیر جدی، دنبال شده است. روسیه می‌تواند مشکوک باشد که همکاری ایالات متحده و ایران ممکن است به ضرر آن باشد. اما کاهش تنش در صورتی که روسیه بخشی از راه حل باشد و منافات آن مانند انحصار در صادرات گاز به اروپا آسیبی نبیند بسیار بهتر است. روسیه همچنین از نزدیکی ایالات متحده به ایران در مورد افغانستان خوشحال خواهد شد. اینجا روسیه به ایران به عنوان نیرویی مثبت نگاه می‌کند زیرا، دست‌کم در مقایسه با طالبان، کشوری میانه‌رو است - نیرویی که می‌تواند در سر و کار داشتن با باتلاق افغانستان کمک کند. همزمان همکاری ایالات متحده هم با روسیه و هم با ایران می‌تواند به نفع ایالات متحده باشد. در واقع مبارزه با هرج و مرج جهانی که عملیات‌های تروریستی و جرم در آن رونق می‌یابند، می‌تواند یکی از مهم‌ترین مشکلاتی باشد که ایالات متحده باید در آینده با آن سر و کار داشته باشد.

نگارنده این مقدمه، در دوره‌ای که با سیاست خارجی روسیه به عنوان یک حوزه تخصصی و فنی برخورد داشته، با این واقعیت از نزدیک آشنایی دارد و راز و رمز بسیاری از رفتارهای دولت روسیه با موضوعات مختلف مرتبط با کشورمان را در همین عرصه فکری و نگرشی می‌بیند که به سادگی نیز قابل تغییر نخواهد بود. و البته این موضوعی است که در این سوی قضیه یعنی در جمهوری اسلامی ایران نیز به طور جدی مطرح است و واقعیت دارد.

کتابی که ترجمه آن در دسترس علاقه‌مندان ایرانی سیاست خارجی روسیه نسبت به کن‌ورمان قرار می‌گیرد این ویژگی را دارد که به بررسی جریان‌های فکری بنیادین در جامعه روسیه در سطح نخبگان ملی این کشور پرداخته و تحلیلی غنی و ژرف را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

جهانگیر کرمی

دانشیار، دانشگاه تهران و عضو شورای علمی ایراس

تهران - ۱۳۹۳

مقدمه

هدف از این پژوهش دنبال کردن روند تکاملی شکل‌گیری دیدگاه نخبگان روس درباره ایران در طول ۲۰ سال گذشته در دوران پسا شوروی است. این دانش به ترسیم دیدگاه کنونی نخبگان روس درباره ایران در بستر رویکرد ژئوپلیتیک روسیه کمک خواهد کرد. نظریه اصلی و نتیجه‌گیری این تحقیق به صورت زیر است:

در اواخر دوران شوروی و پس از آن، دو روند اصلی در رویکرد نسبت به ایران بر دیدگاه نخبگان روس غالب بوده است: روند نخست بر اهمیت راهبردی روابط حسنه روسیه با ایران تأکید می‌کند و بیشتر مورد پشتیبانی ملی‌گرایان امپراتوری خواه^۱ روس، به ویژه آنهایی است که اوراسیاگرا^۲ نامیده می‌شوند. از نظر این گروه، روابط حسنه ایران - روسیه به منزله استفاده موقتی از ایران به عنوان اهرم فشار در معامله با غرب، بلکه اتحاد دائمی است.

گروه دوم معتقد است که روسیه باید از ایران به عنوان یک اهرم فشار در معامله با ایالات متحده و یک شریک تجاری امیدوارانه متحدی استفاده کند. طرفداران این دیدگاه معمولاً روسیه را یا سرزمین متکی به خود یا نزدیک به غرب (بیشتر اروپا) در نظر می‌گیرند.

اوراسیاگرایی و عناوین مشابه ملی‌گرایانه روسیه، در اوایل دوران فروپاشی شوروی ایجاد شد و با آغاز دوران ولادیمیر پوتین^۳ به اوج رسید. از آن هنگام، عناصر اوراسیاگرایی با جهان‌بینی رده‌های بالای نخبگان، شامل خدایان، یکپارچه شده بود. طرفداران تفکر برقراری یک اتحاد راهبردی با ایران، حتی در ضعف روسیه و به افزایش بودند. با این حال پس از آغاز حکومت پوتین، روندی معکوس آغاز شده و بدبینی نسبت به ایران و روابط آن با روسیه رشد کرد. این روند، صرف‌نظر از نوسانات سیاست خارجی روسیه، بر دیدگاه نخبگان روس درباره ایران تا به امروز غالب بوده است. می‌توان فرض کرد این نگرش در آینده نزدیک نیز همچنان بر دیدگاه این نخبگان حاکم خواهد بود.

تغییر در رویکرد نخبگان روس در قبال ایران - از فرض متحد راهبردی بودن ایران گرفته تا دیدگاهی محتاطانه‌تر - نه چندان به سبب تغییرات در اوضاع بین

1. Imperial Nationalists

2. Eurasianist

3. Vladimir Putin

المللی، بلکه ناشی از تغییرات داخلی در روسیه است. دیدگاه محتاطانه‌تر در قبال ایران بازتاب‌دهنده تنش داخلی روزافزون میان قومیت روس، که هنوز اکثریت نخبگان روسی را تشکیل می‌دهد، و جامعه اسلامی روسی است. استمرار و افزایش احتمالی این تنش یکی از مهم‌ترین دلایل روابط محتاطانه و عمل‌گرایانه روسیه - ایران، به استثنای برخی رویدادهای غیر قابل پیش‌بینی است.

روش‌شناسی

این بخش بر تصور نخبگان روس در قبال ایران و وضعیت ژئواستراتژیک آن تمرکز می‌کند. فقط با آن دسته از سیاست‌هایی سر و کار دارد که تا به امروز اجرا شده‌اند، زیرا این امر به روشن‌سازی تصویر ایران و بُعد جهان‌بینانه رابطه روسیه - ایران کمک می‌کند. نخبگان روس به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

سطح اول به تصمیم‌گیری پرداخته یا در تصمیم‌گیری نقشی اساسی دارند و شامل این افراد هستند: رئیس جمهور، مشاوران او، گروه‌های فکری متنفذ و روشنفکرانی که به صورت اساسی به جهان‌بینی حکومت شکل می‌دهند.

سطح دوم تحت عنوان «ابو سیون قانونی» تعریف می‌شوند. این افراد رده‌های بالای حاکم را نقد می‌کنند، اما با برخی فاس‌های جهان‌بینی نخبگان حاکم اشتراک نظر داشته یا دست کم معتقدند که سیاست می‌تواند در آینده تغییر کند. نخبگان حاکم آنها را تحمل می‌کنند و تا حدی برای آنها راهی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به این طریق، تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های حاکمان فراهم می‌کنند. این افراد مجازند که متصدی مشاغل حکومتی در دومای روسیه باشند، در تلویزیون می‌آیند و روزنامه‌هایی با تیراژ به نسبت گسترده منتشر می‌کنند. تأثیر لایه دوم نخبگان نیز توسط تیراژ گسترده کتاب‌هایشان و میزان به بحث کشیده شدن افکار آنها در فضای مجازی گسترش می‌یابد.

این نوشته، پویایی دیدگاه روسی نخبگان و نقش هر دو مسیر خارجی و داخلی در تغییر این تصاویر را در نظر می‌گیرد. نقش هر دو مجموعه متغیرها موجبات سنجش ماندگاری این روند یا روند دیگر و پیش‌بینی آینده را فراهم می‌کند.

ادبیات موضوع

منابع این اثر، با تعریف ما از نخبه مرتبط است. در آغاز دوران پسا شوروی، رسانه‌های جمعی از آزادی واقعی برخوردار شدند و مردمی که مواضع مختلفی داشتند می‌توانستند دیدگاه خود را آشکار کنند، اما اوضاع در دوران پوتین و پوتین / دمیتری

مدودف^۱ تغییر کرد. خروجی‌های عمده - رسانه‌های جمعی و به طور روزافزون حتی اینترنت، حداقل منابعی که دستگاه‌های آن توسط مقامات روسی کنترل می‌شد - در کنترل حکومت قرار گرفت. حضور آنها حاکی از این است که دست کم برخی ایده‌های موجود در رسانه‌های جمعی نمایانگر دیدگاه‌های مقامات است.

نظرات نخبگان در دوران بوریس یتسین به سبب وجود چندین گروه مخالف با یکدیگر پیچیدگی بیشتری داشت. اگر یتسین را با دیدگاه‌ها و سیاست‌هایی بیشتر طرفدار غرب، به همراه دومایی تحت تسلط کمونیست‌ها در نظر بگیریم، به طور حتم می‌توان گفت قدرت یتسین از دوما بیشتر بود، به ویژه پس از پاییز سال ۱۹۹۳ که برای سرکوب آریسیرن از خشونت استفاده کرد. با این حال دوما در زمان بحران اقتصادی سال ۱۹۹۸ ناشی از کاهش ارزش روبل، به کلی قدرت را از دست نداد و در شکل‌دهی به سیاست‌های رژیم نقش بازی می‌کرد. در آن زمان می‌شد نخبه را نه تنها به صورت افراد حاضر در حاکم‌های حکومتی، بلکه انواع روشنفکران و سیاستمدارانی تعریف کرد که دیدگاه‌های آنان با مطرح شدن در رسانه‌های جمعی، محبوبیت کتاب‌هایشان و مباحثه در این‌ها، بیشتر شناخته می‌شد.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، ریکرد نخبگان روس در قبال ایران و چگونگی طرح ایران در مباحث آنان دست‌رشد دو تحول عمده شده است؛ از پایان دوران شوروی تا اوایل ریاست جمهوری پوتین. پس ایده نافذ شد که روسیه و ایران باید متحدان راهبردی باشند. روندی عکس آن را می‌توان در میانه نخستین دوره ریاست جمهوری پوتین تاکنون دید. دیدگاه نخبگان روس در قبال ایران با نفوذ اوراسیاگرایی رابطه مستقیم دارد که دگرگینی است که در آن از نظر برخی نمایندگان این مکتب، رابطه روسیه با آسیا، علی‌الخصوص ایران، بیش از پیش اهمیت یافته می‌کند. بنابراین ظهور و تکامل دکترین‌ها، به‌ویژه در اصلاحات اخیر دوران شوروی و پس از آن مهم‌ترین نقش را در این نوشته دارد.